

بررسی نقش اینترنت در جنبش اجتماعی مصر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱

سید جواد صالحی^{۱*}

ایوب فرج زاده^۲

عباس فرح بخش^۳

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی نقش اینترنت در جنبش اجتماعی اخیر مصر است که سرانجام در ژانویه ۲۰۱۱ موجب سرنگونی دولت حسنی مبارک شد. در سال‌های اخیر، فناوری‌های جدید ارتباطی به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی اینترنتی به منابعی مهم برای بسیج اقدام جمعی و سازماندهی جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان تبدیل شده‌اند. جنبش‌های اخیر در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید ارتباطی، شکلی جدید از انقلاب، جنبش و بسیج مردمی را در این منطقه به‌نمایش گذاشت و مردم در این کشورها خواستار احیای حقوق خود شدند. آنچه در این جنبش‌ها پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر از همه دیده‌می‌شد، رسانه‌ها و به‌خصوص اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آن است، زیرا از بدو شروع اعتراض‌ها نقش مهمی را در این جنبش‌ها ایفا کردند و از یک سو موجب آگاهی بخشی به مردم و از سوی دیگر با داشتن قابلیت‌های مختلف، سبب سرعت بخشی به اعتراض‌ها و گسترش آن در سطح منطقه شدند. عقیده بر این است که شبکه‌های بزرگ رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توییتر و وبلاگ‌های شخصی به‌عنوان کانال‌هایی قدرتمند ظاهر شدند که به مردم مصر در عبور از سانسور دولتی، گسترش مفاهیم اصلاحات سیاسی، بسیج شهروندان برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی به‌عنوان منبعی مهم برای اقدام جمعی و سازماندهی جنبش یاری‌رسانند.

واژگان کلیدی: جنبش اجتماعی، مصر، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، فیس‌بوک.

۱. * . استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز. نویسنده مسئول: salehi_j@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شیراز.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شیراز.

مقدمه

از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، استفاده از اینترنت در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته و تا حدودی در کشورهای در حال توسعه گسترش یافت. به دلیل تأثیرهای فزاینده اینترنت در جهان امروز از زاویه‌های گوناگون، اصلاحاتی مانند: «دهکده جهانی»، «آگاهی سیاره‌ای» و «پایان جغرافیا» در محافل آکادمیک رواج یافته‌است. امروزه گفته می‌شود که سیاست بر بال رسانه‌ها حرکت می‌کند و با گسترش استفاده بازیگران جامعه مدنی در سطوح فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی از اینترنت و نقش آفرینی آن در تعامل‌های سیاسی، اهمیت این تلقی بیشتر آشکار می‌شود (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

در عصر حاضر در دنیای ارتباطات و اطلاعات، اتصال به شبکه جهانی اینترنت به اصلی حیاتی تبدیل شده‌است. استفاده از اینترنت باعث ایجاد پیوند میان سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی شده‌است. انقلاب‌های تکنولوژیک و ارتباطی از جمله عواملی هستند که اقتدار دولت‌ها را روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌کنند. انسان‌های دوران جدید به‌طور صرف، گیرنده و واردکننده پیام‌ها نیستند بلکه نوعی ارتباط و کنش متقابل در جریان انتقال اطلاعات و داده‌ها میان آنها وجود دارد. در این عصر، دولت‌ها نقش قالب خود را در هنجارسازی و ارزش‌سازی برای مردم خود، به دلیل وجود رسانه‌ها که آسمان کلیه کشورها را درمی‌نوردند، از دست داده‌اند. شبکه جهانی اینترنت، بارزترین نمونه این گفته است؛ زیرا درحالی‌که یک فرد در منزل خود نشسته، قادر است ارتباطی بسیار سریع با دیگر کاربران اینترنتی نه‌تنها درون کشور، بلکه در سرتاسر جهان برقرار کند. استفاده از رسانه‌ها، درون یک کشور باعث آشنایی مردم با اوضاع و زندگی دیگر مردم جهان و تقاضای استانداردهایی بهتر برای زندگی از سوی آنها نسبت به آنچه در گذشته داشته‌اند، می‌شود و همچنین جنبش‌های اجتماعی و اعتراض‌ها، سریع‌تر و در زمانی کوتاه‌تر نسبت به گذشته انجام می‌گیرند.

مصر یکی از کشورهایی است که به دلیل افزایش جمعیت جوان و تحصیلکرده، استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در آن رشد تصاعدی داشته‌است. در این کشور، جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی مختلفی از گذشته وجود داشته‌است که از شیوه حکمرانی دولت ناراضی بوده‌اند و از میان آنها می‌توان از اخوان المسلمین نام برد. در دهه اخیر، جنبش‌هایی جدید که اغلب از جوانان مصری تشکیل می‌شد، به وجود آمد، به‌ویژه از سال ۲۰۰۸ جنبشی به نام ۶ آوریل شکل گرفت که اینترنت،

مهم‌ترین وسیله ارتباطی آنها بود و از این طریق، نارضایتی‌های خود را اعلام می‌کردند؛ بر این اساس در این پژوهش، سعی بر این بوده تا نقش مهم اینترنت را با وجود دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که زمینه اعتراض‌ها را به وجود آورد، در جنبش اجتماعی اخیر مصر که موجب سرنگونی حسنی مبارک شد، مورد بررسی قرار دهیم. در این خصوص، پرسش‌هایی که مطرح می‌شوند عبارت‌اند از:

- ۱- مهم‌ترین قابلیت‌ها یا ظرفیت‌های اینترنت کدام‌اند و این ظرفیت‌ها تا چه میزان بر جنبش اجتماعی اخیر مصر که به سقوط مبارک انجامید، تأثیر داشته؟
- ۲- سهم رهبران، فعالان سیاسی و مدنی و جوانان چه وابسته به جریان‌های سیاسی و چه خارج از آن در جنبش اخیر مصر با توجه به قابلیت‌های مورد استفاده اینترنت تا چه اندازه بوده‌است؟ تا چه حد، فعالان مصری از شبکه‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب و وبلاگ‌ها به‌عنوان ابزارهایی برای سازماندهی و ایجاد آگاهی بسیج سیاسی در این جنبش استفاده کردند؟ در پاسخ به پرسش‌های یادشده، فرضیه‌های تحقیق به‌صورت زیر سامان می‌یابند: اینترنت از قابلیت‌هایی مانند وب‌سایت‌ها، گروه‌های خبری، پست الکترونیک و پتانسیل بالای شبکه‌سازی، بهره‌مند است که در جنبش اجتماعی اخیر مصر، میزان استفاده از این قابلیت‌ها بالا بود و به‌عنوان عاملی مهم در آگاه‌سازی و ارتباط‌دهی میان معترضان و گسترش اعتراض‌ها در مصر عمل کرد. همچنین در خصوص با پرسش دوم، به‌نظرمی‌رسد که میزان استفاده فعالان سیاسی و جوانان از اینترنت در جنبش اجتماعی اخیر مصر به دلیل دسترسی آسان به آن و همچنین افزایش جمعیت جوان زیاد بوده‌است. روش پژوهش، تبیین علی و روش تحلیل ثانویه داده‌است.

الف- چارچوب نظری و مفهومی تحقیق

جنبش اجتماعی در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، هرگونه کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدف اصلی از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهاد رسمی است. باتامور، جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیشبرد یا مقاومت در برابر دگرگونی در جامعه‌ای که خود، بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، تعریف می‌کند؛ همچنین بیان می‌کند که یکی از خصلت‌های جنبش‌های اجتماعی، خصلت کمتر سازمان‌یافته بودن آنهاست که در آن ممکن است هیچ‌گونه عضویت منظم یا به‌آسانی قابل تشخیص (هیچ‌گونه کارت حزبی یا حق عضویت) نباشد یا چیزی مانند دفتر یا ستاد مرکزی

وجود نداشته باشد (باتامور، ۱۳۷۳: ۵۶).

در تمایز جنبش‌های جدید و جنبش‌های کلاسیک می‌توان گفت:

- جنبش‌های کلاسیک از ماهیت طبقاتی یا ابزاری و وابستگی به طبقه یا گروه خاص مانند طبقه کارگر، بهره‌مند بودند، در حالی که نوع جدید آن، هویت‌محور، جمعی و غیروابسته به گروه است (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

- جنبش‌های قدیم برخلاف خصلت فناوری‌های پیشرفته امروزی روزها طول می‌کشید که از پایتخت به شهرستان‌ها برسند.

- جنبش‌های جدید به شدت به رسانه، به‌ویژه فناوری‌های نوین ارتباطی وابسته‌اند و از آن طریق به بسیج اعتراض‌ها و مشارکت در سطح جهانی روی می‌آورند در حالی که جنبش‌های کلاسیک به رسانه‌های جمعی و ارتباطات چهره‌به‌چهره وابسته بودند.

- از ویژگی بارز جنبش‌های جدید، فراخوان برای اعتراض‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی اینترنت و انتشار سریع اخبار در سطح وسیع است و در نهایت، افزایش گردش اطلاعات موجب گستردگی بیشتر جنبش‌ها می‌شود (Khalife, 2011).

جنبش‌های اجتماعی، مفهومی است که اغلب برای توصیف دوره‌ای از عمل، مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاستلز (۲۰۰۹)، جنبش‌های اجتماعی را به‌عنوان فرایندی از بازیگران اجتماعی با هدف تغییر فرهنگی (تغییر در ارزش‌ها) توصیف می‌کند. مانوئل کاستلز، فناوری اطلاعات و ارتباطات را به‌عنوان «مجموعه‌ای از فناوری‌های همگرا در میکروالکترونیک، محاسبات (ماشین‌آلات و نرم‌افزار)، ارتباطات راه دور، رادیو و تلویزیون و اپتوالکترونیک تعریف می‌کند» (Castells, 1996: 30).

در اوایل دهه ۱۹۶۰ فیلسوف آلمانی، یورگن هابرماس، مفهومی را مطرح کرد که در انگلیسی حوزه عمومی^۱ خوانده می‌شود. به عقیده وی، جوهره مفهوم حوزه عمومی، استفاده از فضایی مشترک است که شکل‌گیری افکار عمومی در آن امکان‌پذیر باشد؛ بنابراین رسانه‌های گروهی و نیز تعامل‌های اجتماعی بین فردی از طریق اینترنت در آن می‌گنجد (دارنلی، ۱۳۸۶: ۴۷). اینترنت براساس بیان اندرو چادویش در کتاب *سیاست‌های اینترنت: دولت، شهروندان و فناوری‌های ارتباطی جدید*، عبارت است از: شبکه‌ای از شبکه‌های یک‌به‌یک، یک‌به‌چند، چندبه‌چند و چندبه‌یک محلی، ملی و جهانی فناوری اطلاعات و ارتباطات، با استانداردها و پروتکل‌های به‌نسبت باز و با موانع به‌نسبت کم برای ورود به

آن (Chadwish, 2006:7). یک تماس تلفنی، نمونه‌ای از یک ارتباط رسانه‌ای یک‌به‌یک است، درحالی‌که پخش معمولی رسانه‌ها (مانند تلویزیون و رادیو) یک ارتباط رسانه‌ای یک‌به‌چند است. رسانه‌های جدید اجتماعی می‌توانند عملکردی مانند یک‌به‌یک، یک‌به‌چند و مهم‌تر از همه، چندبه‌چند به معنای ارتباطی داشته‌باشند (Shirky, 2008: 86-87).

اینترنت با وجود گستردگی و پیچیدگی‌اش، به‌طور کامل، برخلاف مدل یک‌به‌چند در رسانه‌های پخش همگانی قدیمی است؛ اما دارای قابلیت است که از اساس، آن را از دیگر رسانه‌های گروهی متمایز می‌کند و آن، این است که همواره دارای پتانسیلی تعاملی است و همین پتانسیل تعاملی است که زمینه تغییرهای اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کند (دارنلی، ۲۷:۱۳۸۶). اینترنت دارای سایت‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و شبکه‌های آزاد مختلفی است که از جمله مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

فیس‌بوک^۱؛ فیس‌بوک در ۴ فوریه ۲۰۰۴ در دانشگاه هاروارد توسط مارک زوکربرگ^۲ به‌عنوان یک وب‌سایت شبکه‌های اجتماعی (SNS)^۳ به‌انحصار برای دانشجویان دانشگاه هاروارد راه‌اندازی شد؛ این وب‌سایت، امروزه از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین و پرستفاده‌ترین سایت‌های شبکه‌های اجتماعی روی اینترنت است. فیس‌بوک تا سال ۲۰۱۱ حدود ۸۰۰ میلیون کاربر فعال داشت. کاربران فیس‌بوک با دیگر کاربران یا «دوستان فیس‌بوکی»^۴ با به‌روزرسانی «وضعیت» آنها و نوشتن روی «دیوارهای»^۵ اعضای دیگر یا ارسال پیام‌های مستقیم شخصی در تعامل است. کاربران قادر به ساختن و پیوستن به گروه‌های مورد علاقه، مانند صفحات، جستجو برای تماس‌ها و ارسال عکس‌ها و فیلم‌ها هستند. محیط فیس‌بوک در واقع، مجلسی از دوستان و آشنایان یک کاربر به‌شمار می‌آید. فیس‌بوک با بهره‌مندی از امکان عضوگیری پرشمار، به کاربران اجازه می‌دهد در هر لحظه دوستان تازه‌ای به مجموعه دوستان خود بیفزایند. کاربران فیس‌بوک، شامل گروه‌ها؛ دوستان، دوستان دوستان، اعضای هم‌شبکه و بیگانه‌ها می‌شوند (Kirkpatrick, 2011: 30-41, 275-285).

توییتر^۶؛ توییتر که در مارس سال ۲۰۰۶ آغاز به‌کار کرد نیز به یکی از بزرگ‌ترین سایت‌های شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده‌است. توییتر، شبکه اطلاع‌رسانی زمان واقعی است که شما را به آخرین

- 1 . Facebook
- 2 . Mark Zuckerberg
- 3 . social networking site
- 4 . Facebook friends
- 5 . Facebook
- 6 . Twitter

اطلاعات درخصوص آنچه جالب توجه می‌یابید، متصل می‌کند؛ این سایت به کاربران خود اجازه می‌دهد تا پیام‌های کوتاهی تا ۱۴۰ حرف یا کاراکتر را که «تویت» نامیده می‌شوند، منتشر کنند که می‌توانند توسط دوستان یا «پیروان» ناشر خوانده شوند. به منظور دنبال کردن یک کاربر دیگر، شخص باید تویت یا واژه‌های خود را به اشتراک بگذارد. محدوده این پیام‌های به روز از برخی فعالیت کنونی (مانند صرف صبحانه) تا به اشتراک گذاری حقایق علمی یا اخبار سیاسی، همچنین دسترسی به لینک رسانه‌های جاسازی شده را امکان پذیر می‌سازد. هدف اصلی تویت، فراهم آوردن این امکان برای کاربران است که کاربران اینترنتی بتوانند در هر لحظه و به سادگی آنچه را در اطرافشان می‌گذرد، در فضای مجازی منتشر کنند. با توجه به عملکرد آن، یعنی انتشار اطلاعات در قالب پیام‌های بسیار کوتاه، تویت جزو رسانه‌های اجتماعی میکرو بلاگینگ^۱ (وبلاگ نویسی کوچک) قرار می‌گیرد (Simon, 2009).

یوتیوب^۲؛ یوتیوب اولین، معروف‌ترین و بزرگ‌ترین وبسایتی است که به آپلود و اشتراک گذاری ویدئوهای شخصی اختصاص داده شده است. کاربران یوتیوب می‌توانند فیلم‌ها را به صورت رایگان تماشا، به اشتراک گذاری و ارسال کنند. یوتیوب، سومین وبسایت دیدنی آنلاین است. در جنبش‌های سیاسی اخیر، انواع مختلفی از ابزارهای رسانه‌های اجتماعی برای اشتراک گذاری ویدئو و عکس به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفتند که از جمله مهم‌ترین آنها یوتیوب بود (Hintler, 2011:6).

سایت‌های شبکه‌های اجتماعی اینترنت از جمله فیس‌بوک و تویت، به وسیله الیسون^۳ و بوید^۴ به عنوان وبسایت‌هایی که سه ویژگی زیر را دارند تعریف می‌شوند:

۱- به کاربران اجازه می‌دهند که پروفایل بسازند و می‌توانند آن را در اختیار همه کاربران وب یا فقط در اختیار دوستان خود قرار دهند.

۲- به کاربران اجازه می‌دهد که یک شبکه از دوستان بسازند و با هم ارتباط برقرار کنند و کاربران می‌توانند پیام‌های خود را برای دوستانشان بفرستند؛ برای نمونه در فیس‌بوک با گذاشتن یک پیام روی «wall» همه دوستان می‌توانند آن را ببینند و درباره آن نظر بدهند.

۳- همچنین کاربران توانایی دیدن و فهرست کردن دوستانشان را دارند و نیز می‌توانند به عنوان عضو در فهرست دوستان خود قرار گیرند. فهرست واژه‌ها و اصطلاحات این ارتباطات ممکن است از

1 . Microblogging
2 . Youtube
3 . Nicole B. Ellison
4 . danah m. boyd

یک سایت به سایت دیگر متفاوت باشد (Boyd and Ellison, 2007:1).

ب- تاریخ جنبش‌ها و احزاب در مصر و ریشه‌های خیزش اجتماعی اخیر مصر

نخستین تجربه حزبی در مصر به سال‌های پس از ۱۹۲۲ برمی‌گردد که مصر به کشوری مستقل تبدیل شد. برقراری حکومت پادشاهی ازیک‌سو و سلطه انگلیسی‌ها ازسوی دیگر سبب شد که این تجربه چندان موفق نباشد. با کودتای افسران آزاد در سال ۱۹۵۲ و اندکی پس از آن که جمال عبدالناصر با کنارزدن ژنرال نجیب به قدرت رسید، به واسطه حاکم شدن نوعی جریان فکری سیاسی، مجالی برای رشد و فعالیت احزاب فراهم نشد و در همین نظام آمرانه بود که سازمان اخوان المسلمین به بهانه همکاری با ژنرال نجیب، رقیب ناصر و اعتراض به حکومت سکولار ناصر، سرکوب و ... قانونی اعلام شد و اعضای آن بازداشت شدند.

انورسادات که بعد از سکنه قلبی ناصر، ریاست جمهوری را به عهده گرفت، ابتدا به فعالیت‌های حزبی روی خوش نشان‌داد اما در ادامه، با تأسیس اتحادیه سوسیالیست عربی، وقتی ناصری‌ها را با خود همسو نیافت، به فکر تأسیس تشکلاتی دیگر افتاد تا برای سیاست‌هایش پشتیبانی بیابد که این اندیشه با اعطای آزادی نسبی به گروه‌های مخالف همراه بود؛ البته نباید از نظر دورداشت که *سادات*، مترصد تقویت و تحکیم احزابی بود که با دولت همسو باشد.

در سال ۱۹۷۷ به دنبال تظاهراتی که در اعتراض به افزایش قیمت‌ها در مصر برپا شد، سخت‌گیری دولت *سادات* ضد احزاب نیز افزایش یافت. در ژوئن ۱۹۷۷ قانون احزاب به تصویب رسید که براساس آن، کمیته امور احزاب تشکیل شد و هر حزبی برای فعالیت باید از این کمیته مجوز می‌گرفت تا به رسمیت شناخته شود و فعالیتش جنبه قانونی داشته باشد؛ اما رشد فزاینده احزاب، موجبات نگرانی *سادات* را فراهم کرد و همین امر، وی را بر آن داشت تا برای تشکیل یک حزب وابسته به دولت به تکاپو بیفتد و سرانجام حزب دموکراتیک ملی را تشکیل دهد. موضوعی که احزاب ضد سیاست‌های *سادات* درپیش گرفتند، عاملی برای اعمال فشار دولت بر احزاب شده، فعالیت حزبی با مشکلات و موانعی روبرو شد (حسینی گلی، ۱۳۸۵: ۱۷۱ و ۱۷۲).

پس از ترور *سادات* در سال ۱۹۸۱ و روی کار آمدن حسنی مبارک، رفتار دولت با احزاب، با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو شد. حسنی مبارک به صورت سمبلیک و نمادین در آغاز کار در مقابل اپوزیسیون، چهره‌ای مسالمت‌جویانه از خود نشان‌داد و در صدد بود وانمود کند که به دنبال گذار

تدریجی به دموکراسی است. در بخش عمده این سه دهه، حکومت وی آمیزه‌ای از اقتدارگرایی و سرکوب، تکیه بر نهادهای صوری دموکراتیک و ایجاد محدودیت‌های زیاد برای اپوزیسیون با محتوای بسیار اقتدارگرا و با دموکراسی صوری بوده و انتخابات یکی از تجلیات صوری دموکراسی در مصر بود (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

در نیمه نخست دهه ۱۹۸۰، رژیم مبارک برای دموکرات نشان دادن رژیم خود به تعدادی احزاب و انجمن برای فعالیت مجوز داد و روزنامه‌ها آزادی عمل بیشتری یافتند. انتخابات پارلمان ۱۹۸۴ تا حد به نسبت، قابل توجهی به صورت آزاد و رقابتی تشکیل شد و میزان تقلب در آن پایین بود اما انتخابات سال ۱۹۸۷ با تقلب بیشتری برگزار شد و به همین ترتیب در سال ۱۹۹۱ تقلب افزایش یافت و بیشتر احزاب از جمله حزب «وفد» به دلیل تقلب در انتخابات در آن شرکت نکرد، آن را تحریم کردند. در انتخابات ۱۹۹۵ احزاب، ناچار شدند که مشارکت کنند ولی نتیجه همچنان به نفع حزب حاکم رقم خورد و تنها چهار کرسی به احزاب اپوزیسیون و سه کرسی به کاندیداهای غیرحزبی و مستقل رسید. تقلب آشکار در این انتخابات سبب اعتراض احزاب شد و دادگاه، انتخاب بیش از ۲۰۰ کاندیدا را غیرقانونی اعلام کرد. تقلب حزب حاکم در این انتخابات چنان زیاد بود که شاهدان مصری پیروزی ۹۵ درصدی حزب دموکراتیک ملی را بسیار شرم‌آور دانستند. انتخابات سال ۲۰۰۰ نیز به ظاهر به صورت چندحزبی و رقابتی برگزار شد؛ در مجموع، حکومت به دلایلی از جمله احساس خطر جدی از ناحیه انتخابات (به ویژه از سوی اسلام‌گرایان)، انتخابات را به صورت چندحزبی صوری و بدون محتوای واقعی درآورده بود.

انتخابات سال ۲۰۰۵ به صورت مداخله حزب حاکم و با تکیه بر ارتش و نیروهای امنیتی انجام شد که در این انتخابات در مقایسه با حزب حاکم، اخوان المسلمین تنها اجازه یافت ۱۵۰ کاندیدا برای انتخابات، آن هم با عنوان مستقل و غیرحزبی معرفی کند. انتخابات سال ۲۰۱۰ با آشکارترین سطح تدابیر امنیتی و تقلب، توسط حکومت و حزب حاکم انجام شد؛ نتیجه این انتخابات، ۴۲۳ کرسی حزب دموکراتیک ملی، ۱۵ کرسی برای احزاب مخالف و ۶۶ کرسی برای کاندیداهای مستقل بود. به دنبال اعلام نتایج این انتخابات، تظاهرات گسترده احزاب مخالف در برابر دیوان عالی قضایی مصر برای ابطال نتایج صورت گرفت؛ در این تظاهرات، احزاب هر دو طیف ملی‌گرا - لیبرال و اسلام‌گرا، مانند اخوان المسلمین، وفد، جنبش الکفایه، حزب الکرام و ناصری شرکت داشتند. الیرادعی که رهبر انجمن ملی برای تغییر بود از کلیه احزاب و جریان‌های سیاسی خواست که برای وارد آوردن ضربه نهایی به

رژیم مبارک به این انجمن پیوندند.

در ادبیات نظری انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی، تأکید بر این است که جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌ها، ریشه‌ای ساختاری و تاریخی درازمدت یا به‌نسبت درازمدتی دارند و نه ریشه صرف در نارضایتی‌های کوتاه‌مدت و محدود؛ ازسوی دیگر، تحلیلگران بر این نظرند که تنها با وجود شرایط نارضایتی‌های ریشه‌دار، انقلاب رخ‌نمی‌دهد، لذا نیاز است که فرصت‌های سیاسی شتاب‌زای مساعد داخلی و خارجی ایجاد شوند که عبارت‌اند از: شکاف در نخبگان حاکم درخصوص نحوه مواجهه با اپوزیسیون، کاهش طرف‌داران رژیم به دلایل گوناگون، بحران شدید اقتصادی و تشدید بحران کارآمدی و مشروعیت رژیم به تبع آن، افشای ابعاد جدی فساد سیاسی و اقتصادی مقام‌های حکومت و وقوع انقلاب در کشورهای همسایه در شرایط مشابه با این کشور (سردارنیا، ۱۳۹۰، ۱۱۳-۱۲۸).

در مصر نیز چنین شرایطی ایجاد شد. جنبش اجتماعی که در تونس ضد حکومت زین‌العابدین بن علی به‌وجود آمد به مصر گسترش یافت. انقلاب تونس به‌عنوان عاملی محرک برای شروع جنبش در مصر که زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک جنبش فراگیر اجتماعی در آن فراهم شده‌بود، عمل کرد.

پ- اینترنت و جنبش اجتماعی اخیر مصر تا سقوط حسنی مبارک

شبکه دانشگاه‌های مصری و مرکز اطلاعات کابینه مصر (IDSC) برای اولین بار در سال ۱۹۹۳ به اینترنت دست یافتند؛ باین‌حال، عموم مردم تا سال ۱۹۹۵ به‌طور عام، به اینترنت دسترسی نداشتند تا اینکه در سال ۲۰۰۲، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصر طرح اینترنت رایگان را راه‌اندازی کرد. طرح اینترنت رایگان به هر مصری اجازه می‌داد تا با یک کامپیوتر و یک خط تلفن به اینترنت دسترسی یابد. با جمعیت تقریبی مصر در سال ۲۰۱۱ (حدود ۸۰/۴ میلیون نفر) ضریب نفوذ اینترنت در جامعه مصر حدود ۲۴ درصد بود که نسبت به ۰/۵۸ درصد در سال ۱۹۹۹ افزایشی قابل‌توجه از خود نشان می‌داد (www.freedomhouse.org).

اعتصاب کارگری در شهر دلتا ضد کاهش دستمزد و افزایش قیمت‌ها همراه با دیگر تحولات اقتصادی و سیاسی در روز ۶ آوریل ۲۰۰۸ به‌وقوع پیوست؛ در همین زمان بود که عبدالفتاح در حمایت از کارگران شروع کرد به تدارک دیدن گروهی فیس‌بوک در سال ۲۰۰۸. هرچند که زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اعتصاب از جمله افزایش تورم، سرکوب رهبران احزاب و نارضایتی

گسترده مردم مصر در خصوص ساکنان محاصره شده در نوار غزه که انگیزه‌های اصلی برای اعتصاب بودند، فراهم بود، تنها با گسترش و عضویت در وبسایت‌ها اعتصاب کارگران نساجی به یک رویداد اصلی تبدیل شد؛ در واقع، رسانه‌ها اینجا نقش عاملی محرک و شتاب‌زا را در بسط اعتراض ایفا کردند. در عرض دو هفته بعد از تشکیل این گروه، بیش از ۶۰ هزار کاربر عضو شده بودند و به‌طور کامل، حیرت‌آور بود که بعد از مدتی، تعداد اعضای این گروه به ۷۹۰ هزار نفر رسید (Faris, 2008:1-2).

این اعتصاب و اعتراض سبب شد که اولین بار در مصر شبکه‌های اجتماعی اینترنت به‌صورت گسترده شناخته شدند و در واقع، نمونه عینی از جنبش‌های اجتماعی بود که از طریق اینترنت سازمان‌دهی شد. وائل غنیم^۱ یکی از سازمان‌دهندگان اصلی جنبش اجتماعی مصر در فیس‌بوک می‌گوید: «اگر شما می‌خواهید یک جامعه آزاد داشته باشید باید به آنها اینترنت بدهید؛ در واقع این جمله، نشانگر اهمیت نقش اینترنت در جنبش‌های اجتماعی اخیر در جهان عرب به‌خصوص مصر است. محمود هشام^۲، نویسنده مصری نیز معتقد است که شبکه‌های اجتماعی اینترنت مانند فیس‌بوک، توئیتر و وبلاگ‌ها، سبب سرنگونی رژیم‌های عربی شدند که به‌زودی این متغیرها در جنبش‌های اعتراضی در رشته‌های علوم سیاسی آموزش داده می‌شوند. در اعتراض‌های اخیر، گروه‌های فیس‌بوک از کمک‌کنندگان اصلی به انقلاب بودند که ارسال اعتراض‌ها را به روزرسانی و واکنش سایت‌های خبری، سیاستمداران و رسانه‌ها را بازتاب می‌دادند (hesham, 2011:20).

در واقع، گروهی از فعالان جوان در فیس‌بوک که خواستار تظاهرات در سرتاسر کشور برای بازگرداندن کرامت انسانی، اصلاحات، آزادی و عدالت بودند، جرقه انقلاب را شعله‌ور کردند. فیس‌بوک کمک کرد تا پیام‌هایی از وقایعی که در مصر روی می‌داد در سراسر جهان از طریق عکس و فیلم دریافت شود. عکس‌های خالد سعید^۳ در فیس‌بوک خشم مردم مصر را برانگیخت. مدتی کوتاه پس از آن، وائل غنیم یک صفحه فیس‌بوک با عنوان «ما همه خالد سعید هستیم» ایجاد کرد. صفحه فیس‌بوک، ۵۰۰ هزار عضو به دست آورد. همان‌طور که اعتراض‌ها ادامه می‌یافت، مردم در مصر تمایل بیشتری به فیس‌بوک برای دیدن فیلم‌ها، تصاویر، نظریات و بحث در خصوص انقلاب سیاسی برای دموکراسی، آزادی بیان و تغییرهای اجتماعی و اقتصادی نشان دادند که نتیجه آن، شکل‌گیری جنبشی جدید بود. جنبش جوانان ۶ آوریل که از آن زمان به بعد، نقش کلیدی سازمانی در اعتراض‌های سال

1 . Wael Ghonim

2 . hesham

3 . Khaled Said

۲۰۱۱ ایفاکرد. صفحه «ما هم خالدیم» در فیس‌بوک: ۶۱ کلیپ تصویری، بیش از ۲۰۰ عکس، ۱۰۰ لینک وب داشت؛ این صفحه پیش از ۲۵ ژانویه حدود ۴۰۰ هزار عضو داشت که در روز ۹ فوریه به ۶۰۰ هزار نفر رسید و در ۱۴ فوریه به ۸۰۴ هزار نفر رسید (Serajul, 2011: 17).

درحالی که متوسط سن فعالان مصری استفاده‌کننده از فیس‌بوک ۲۰ سال بود، اعضای رژیم ۶۰ تا ۷۰ ساله بودند، که خود تحت تأثیر رئیس‌جمهوری ۸۰ ساله قرارداشتند؛ در نتیجه این شکاف نسلی و سنی، هنگامی که رژیم مبارک، متوجه قدرت و سرعت فناوری‌های رسانه‌های اجتماعی و ظرفیت‌های فوق‌العاده آنها برای سازمان‌دهی فعالان جنبش شدند، برای محدود و مسدود کردن فیس‌بوک، تویتر، خدمات پیام کوتاه و خطوط ارتباطی تلاش کرد؛ اما فعالان با استفاده از دوزدن فیلترها قادر شدند که دوباره به این شبکه‌های اجتماعی دست‌یابند. در بعدازظهر ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ مقام‌های مصری برای قطع کردن تمام خطوط ارتباطی در شهرهای بزرگ کوشیدند با این تصور که از جاری شدن مردم در خیابان‌ها جلوگیری کنند اما دیگر دیر شده بود و مصری‌ها در خیابان‌ها بودند و دیگر به اینترنت، نیازی نبود و در واقع، اینترنت کارکرد و نقش خود را ایفا کرده بود. میدان التحریر نقطه مرکزی اعتراض‌ها در قاهره و مسجد قائد آل ابراهیم، نقطه مرکزی اعتراض‌ها در اسکندریه شدند و همین‌طور در دیگر شهرهای مصر نیز نقطه مرکزی وجود داشت (Eltantawy & Wiest, 2011: 121).

بخشی از چالش پیش رو برای مقابله با مبارک و دستگاه امنیتی وی، بسیج مردمی بود اما به دلیل سرکوب دولتی اعتراض‌کنندگان در طول چند دهه گذشته، نوعی بی‌تفاوتی در جامعه مصر نهادینه شده بود. تنها ۲۳ درصد ثبت‌نام‌کنندگان در انتخابات سال ۲۰۰۷ به پای صندوق‌ها رفتند و این ۲۳ درصد رأی خود را به حزب مبارک، اخوان المسلمین، گروه‌های کوچک و احزاب سکولار دادند. اکثریت ۷۷ درصدی به رأی‌دادن تمایلی نشان‌داد و بر این اساس، نسل نو فعالان سیاسی با این بی‌تفاوتی به رویارویی برخاستند و با بهره‌گیری از اینترنت و تلفن تلاش کردند تا با جامعه تماس برقرار کنند. در مصر در سال ۲۰۱۰، حدود ۲۲/۵ کاربر اینترنت، ۱/۳ میلیون اشتراک ADSL، ۸/۵ میلیون کاربر اینترنت تلفن همراه، ۴۶۰۰ کافی‌نت و ۶۵/۵ میلیون خط تلفن همراه وجود داشت؛ همچنین حدود ۱۶۲ هزار بلاگر فعال بود که بیشترشان جوان بودند و در طول عمرشان، جز مبارک رئیس‌جمهوری ندیده بودند. اینترنت برای این جوانان راهی تازه گشود. در سال ۲۰۰۸، گروهی با بهره‌گیری از فیس‌بوک توانستند ۸۲ هزار نفر را ضد گرانی مواد غذایی بسیج کنند؛ همچنین از فیس‌بوک برای جلب پشتیبانی از اعتصاب کارگران پارچه‌بافی و اعتراض‌های کارگری ۶ آوریل ۲۰۰۸

استفاده‌ای مطلوب صورت گرفت (Mansour, 2010:2-3).

برایان سولیس در توصیف فرایند نقش رسانه‌های اجتماعی مهم در انقلاب مصر این‌گونه توصیف می‌کند: ایجاد چگالی لازم اتصالات (نوشن اگر وحدت اثر است، چگالی علت است)؛ بنابراین رسانه‌ها ابزاری هستند که باعث افزایش چگالی اتصال‌های اجتماعی و گسترش آنها می‌شوند و مهم‌تر اینکه افزایش چگالی جریان اطلاعات (تعداد دفعاتی که افراد گوش دهند) و تراکم عاطفی (به‌عنوان درک وقایع یا زمینه اجتماعی تجربه افراد دیگر) هنگامی که مردم تصمیم می‌گیرند به‌جای تماشا به انقلاب بپیوندند به افزایش احتمالی افراط‌گرایی منجر می‌شود.

چگالی به‌دست آمده در مصر و آنچه تأثیر آن را فراتر از مرزهای خود داشته چگونه بود؟ که این پرسش را برایان سولیس با در نظر گرفتن سه بعد عمودی، افقی و ترکیبی رسانه‌های اجتماعی از کشوری به کشور دیگر پاسخ می‌دهد:

۱) **آستانه عمودی:** ایالات متحده و اروپا در مقایسه با رسانه‌های اجتماعی، نفوذی اندک در جهان عرب دارند؛ در واقع، تنها ۲۱ میلیون کاربر فیس‌بوک در سرتاسر جهان عرب وجود دارند، پس چگونه رسانه‌ها چنین نقشی را ایفا کردند؟ همان‌طور که بسیاری مفسران اشاره کرده‌اند یکی از کاتالیزورهای اوایل انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در مصر یک صفحه ایجاد شده در فیس‌بوک درباره خالد بود که نیروهای امنیتی به طرزی وحشیانه، او را کشته بودند؛ این صفحه، یک نقطه کانونی بود که حدود ۴۷۰ هزار طرف‌دار عضو داشت و مخالفت خود را با دولت ابراز کردند، در حالی که ویدئو یوتیوب درباره قتل او توسط بیش از ۵۰۰ هزار نفر مشاهده شد و به عامل سوخت‌رسانی خشم عمودی تبدیل شد. با الهام از تظاهرات ضد سرنگونی بن علی رئیس‌جمهور تونس در ۴ ژانویه ۲۰۱۱ صفحه خالد یک صفحه فیس‌بوک و سپس یک نقطه کانونی برای انتشار اعتراض مردمی در سرتاسر مصر شد.

۲) **آستانه افقی:** به گفته بویید، موقعیت معترضان تونس و جسارت و شجاعت معترضان جوان تونس در خیابان‌های خود، سبب تشویق رسانه‌های اجتماعی مصر از مردم خویش، از دانش‌آموزان و کلا، دانشجویان، کارگران و همچنان تشویق و گسترش صفوف اعتراض‌ها در میدان التحریر شد.

۳) **آستانه ترکیبی:** از تونس به مصر، الجزایر و سوریه، رسانه‌های اجتماعی نقشی محوری در پوسته‌پوسته شدن ارتباطات میان مردم، در دستیابی به چگالی، اشاعه شجاعت و مقابله با اطلاعات نادرست تولید شده توسط رژیم‌های سرکوبگر داشتند (Mainwaring, 2011).

اینترنت در جنبش اجتماعی مصر توانست نقشی ویژه ایفا کند. یک روز بعد از سقوط بن علی در تونس، دعوت و فراخوانی برای تظاهرات، از طریق اینترنت در مصر آغاز شد. دعوت‌نامه در سه صفحه از طریق فیس‌بوک ارائه شد. در طول جنبش، انتشار فیلم‌های اعتراض‌های روز گذشته از طریق اینترنت، سبب شعله‌ور شدن بیشتر خشم مردم شد. بزرگ‌ترین اجتماع مصری‌ها صفحه «ما همه خالدیم» بود که ۸۰۴ هزار عضو در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ داشت؛ صفحات دیگر، مانند صفحه جنبش ۶ آوریل و صفحه «البرادعی، رئیس‌جمهور آینده» نیز طرف‌داران زیادی داشتند. شبکه‌های آنلاین اجتماعی، نقش اصلی را در تظاهرات مصر در ماه ژانویه سال ۲۰۱۱ ایفا کردند. به‌طور عمده، فیس‌بوک و توئیتر ابزار اساسی مورد استفاده در این تظاهرات بودند. در جریان جنبش فراگیر مصر، پیام‌های کتبی (sms) و تصاویر در گردش در فیس‌بوک، توئیتر و وبلاگ‌ها در تقویت هویت جمعی مردم مصر، بسیار مؤثر بودند. ابزار رسانه‌های اجتماعی به مصریان در تمام دنیا امکان داد تا از جنبش داخل کشور حمایت کنند. صفحات متعدد فیس‌بوک توسط مصری‌های خارج از کشور، از جمله «صدای خارج از مصر، مصریان خارج از کشور در حمایت از مصر و ایالات متحده عربی» ایجاد شد (Eltantawy & Wiest, 2011: 1217).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که «سهم رهبران، فعالان سیاسی و مدنی و جوانان چه وابسته به جریان‌های سیاسی و چه خارج از آن، در جنبش اخیر مصر با توجه به قابلیت‌های مورد استفاده اینترنت تا چه اندازه بوده‌است؟ تا چه حد فعالان مصری از شبکه‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب و وبلاگ‌ها به‌عنوان ابزارهایی برای سازماندهی و ایجاد آگاهی بسیج سیاسی در این جنبش استفاده کردند؟»؛ بر این اساس، طی چند سال گذشته، فناوری اطلاعات و ارتباطات از جمله اینترنت و ابزار آن، نقشی برجسته در فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی ایفا کرده‌است. همان‌طور که گفته شد هرچند نمی‌توان دلایل اصلی خشم و نارضایتی مردم مصر نسبت به ناکارآمدی دولت را منکر شد و همچنین نمی‌توان زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی را در زمینه جنبش‌ها و انقلاب‌ها نادیده گرفت. اما آنچه ما در اینجا مورد توجه قرار دادیم، استفاده از

ابزارها و فناوری‌های نوین در انقلاب‌های مدرن است که می‌توان گفت با توجه به نقش سریع و گسترده‌ی آنها در انتشار اخبار و اطلاعات، عامل انقلاب در عصر مدرن به‌شمار می‌آیند و خبر در سطحی وسیع در یک کشور و جهان گسترش می‌یابد. فناوری‌های رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری مهم برای عمل جمعی و تغییرهای اجتماعی دیده می‌شوند. فیس‌بوک و اینترنت، گزینه‌هایی برای عمل گروه‌های نو و نیروهای سیاسی در حال پیدایش جامعه مدنی هستند؛ همان‌طور که در مصر هم این اتفاق افتاد. در واقع زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نارضایتی برای مردم فراهم شده بود. انقلاب تونس نیز اثر سرایتی داشت و نقش رسانه‌ها در این انتقال بسیار بااهمیت بود. رسانه‌ها به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آن از جمله فیس‌بوک، تویتر و یوتیوب سبب تحرک و گسترده‌ی بیشتر تظاهرات شدند که در نهایت به سقوط رژیم مبارک انجامید و به‌طور کلی، شبکه‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، تویتر، یوتیوب و وبلاگ‌ها به‌عنوان ابزاری برای تسهیل جنبش اجتماعی، سازماندهی و ایجاد آگاهی و بسیج سیاسی مورد استفاده قرار گرفتند.

منابع

۱- منابع فارسی

- باتامور، تام (۱۳۷۲)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: کیهان.
- حسینی گلی، سید اسماعیل (۱۳۸۵)، «اصلاحات در مصر». در *کتاب خاورمیانه*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگ مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- دارنلی، جمیز و جان فدر (۱۳۸۶). *جهان شبکه‌ای*، ترجمه نسرين امین دهقان و مهدی محامی، تهران: نشر چاپار.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸)، «اینترنت، جنبش اجتماعی و بسیج اعتراضات»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال شانزدهم، شماره ۴، زمستان.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۰)، «تحلیل ساختاری و کنش‌گرا بر چرایی تثبیت اقتدارگرایی در مصر از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره ۲، تابستان.

۲- منابع لاتین

- Bhuiyan, Serajul I. (2011), "Social Media and Its Effectiveness in the Political Reform Movement in Egypt", *Middle East Media Educator*, 1(1).
- Castells, Manuel(1996), *The Rise of the Network Society*. Oxford: Blackwells.
- Chadwick, Andrew. (2006), *Internet Politics: States, Citizens and New Communication Technologies*. Oxford: Oxford University Press.
- Eltantawy, Nahed and Wiest, Julie B. (2011), *Social Media in the Egyptian Revolution*:
- Hintler,Gregor .(2011), *The Role of Social Media in Social Movements, Bachelor thesis*, Cottbus : University of Technology.
- Kirkpatrick, David. (2011), *The Facebook effect – the real story of Mark Zuckerberg and the World’s fastest-growing company*. CPI Bookmark. Croydon. United Kingdom.
- Shirky, Clay. (2008), *Here Comes Everybody: The Power of Organizing Without Organizations*, London: Benguin Books.

۳- منابع الکترونیکی

- boyd, d. m., & Ellison, N. B. (2007)," Social network sites: Definition, history, and scholarship", *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1), article 11. <http://jcmc.indiana.edu/vol13/issue1/boyd.ellison.html>.
- hesham,Mohamad.(2011), *The erevolution in the Egyptian*, available at: <http://www.famousbloggers.net>.
- Reconsidering Resource Mobilization Theory, *International Journal of Communication* , 5,available at:www.ijoc.org.
- Freedom on the Net 2011: Egypt, Freedom House, available at: <http://www.freedomhouse.org/images/File/FotN/Egypt2011.pdf>.
- Khalifa, Mahmoud. (2011), *The role of information technology in defeating the Arab regimes: Facebook 2-0 Arab presidents*, Cairo University, I June 2011 available at: http://www.ifla.org/files/assets/faife/Spotlight_1.pdf- last update: 5 October 2012.

- Mainwaring, Simon, (2011), *Exactly what role did social media play in the egyption revolution?* 14, Feb 2011, available at: <http://www.fastcompany.com>.
- Mansour, Sherif. (2010), Egypt's "Facebook Revolution", Kefaya, and the struggle for democracy and good governance" (2008-ongoing), International Center on Nonviolent Conflict, available at: <http://www.nonviolent-conflict.org/>.

A Study of the Role of Internet in Social Movement of Egypt

Seyed Javad Salehi *¹
Ayyoub Farajzadeh ²
Abbas Farahbakhsh ³

Received on: 8/26/2013
Accepted on: 1/21/2014

Abstract

This research work intends to study the role of Internet in recent social movement in Egypt that toppled down Hosni Mubarak's government in January 2011. During the recent years, new communication technologies, specially the Internet and social networks on the Internet, have turned to be a major source for mobilization and organization of social movements across the globe. The recent movements in Arab states of the Middle East and North Africa made use of new communication technologies and put on display a new form of revolution and mass mobilization in this region wherein people sought meeting their legitimate rights. The role of mass media in general and Internet and social networks in particular was very important ever since the outset of the movements. These communication tools promoted public awareness on one side and on the other side, accelerated the demonstrations and expansion of the movement to all cities because of possessing diversified capabilities. It is believed that large social networks such as Facebook, Twitter and personal weblogs have served as powerful and influential channels for the people of Egypt who had long suffered state censorship. Moreover, Internet and social networks brought about development of political concepts and mass mobilization for political activities in Egypt.

Keywords: Social Movement, Egypt, Internet, social Networks, Facebook, Twitter

1*. Assistant Professor of Law and Political Science, Shiraz University.

(Corresponding Author: salehi_j@yahoo.com)

2 . M.A. student of Regional Studies, Shiraz University.

3 . M.A. student of Regional Studies, Shiraz University.